

در آثار کتب کهنی از نسخ آن غریب است و غور سخن کردن
 و شواهد است و محدثان را بیرون ازین استام خبر نماند
 دیگر است که آن نیز اول و پنجمین مثل مناظره صحابه در
 دستشهادت باین آیه یا تمیل البان بدو این است
 یا تلووت آن حضرت صلوات الله علیه و الله و کم این است
 بقرنی استشهاد و در روایت حدیثی که موافق آیت شد
 در اصل معنی و طریق تلفظ بان که منقول باشد از آن
 حضرت صلی الله علیه و کم یا صحابه **فصل** در باب لطایف
 از آن جمله استنباط احکام است و این باب بنیاد
 متوع است و عقل را در اطلاع بر فروع و ایمان است و انحصار
 است بدان واسطه است و اختلاف کلی حاصل است
 و این تغییر را در احصای استنباطات در ده قسم و در تقیید
 استام بخاطر رنجته اند و آن متعابله نیز از این است

نکته

برای سفیدان بسیاری از احکام مستنبطه و از آن جمله توجیهی است
 و توجیه فنی است که بشیر الشعب که شرح در شرح منون بکار
 بردند و در آن امتحان رنگی البان باشد و تیان
 و است بسبب آن بظهور آید صحابه با وجود عدم تفریح
 و این توجیه در آن عصر در توجیه قرآن سخن گفته اند
 و اکثر آن کرده و تحقیق توجیه است که اگر در کلام
 صعوبت فهم حاصل شود شرح و توفیق کند و آن صعوبت
 را حل نماید و چون از آن خوانندگان کتاب در یک توجیه
 نیستند توجیه نیز در یک توجیه نباشد توجیه به نسبت
 میدان دیگر است و به نسبت نهی آن دیگر است
 فهم که معنی را بجا آورده و محتاج حل آن کرده و مستنبط
 مافل از آن باشد بلکه احاطه آن خوانند و لب کلام

در باب لغایف البان
 در کتاب احکام